

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۶/۱۲/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

محتویات

۱ وضع هیات

۱.۱ خلاصه بحث جلسه قبل

۱.۲ مرحله اول: معنا جمله خبریه

۱.۲.۱ نظریه اول

۱.۲.۱.۱ - تفسیر ثبوت و معنای تصدیق

۱.۲.۱.۱.۱ معنای تصدیق در کلام مشهور

۱.۲.۱.۲ - نسبت

۱.۲.۱.۲.۱ اوسعیت معنای نسبت

۱.۲.۱.۳ - فی الخارج

۱.۲.۱.۳.۱ خلط بین معنای خارج

موضوع: وضع هیئات / وضع / مقدمات علم اصول

۱ وضع هیات

۱.۱ خلاصه بحث جلسه قبل

مرحوم اخوند فرمود که بعید نیست اخبار و انشاء مثل حروف و اسماء معنای واحدی داشته باشند و تنها اختلاف آنها در داعی است که این نیز از کیفیات استعمال است اگر داعی بر استعمال حکایت باشد اخبار است و اگر داعی ایجاد باشد انشاء میشود و حکایت و ایجاد جزء موضوع له نیست حاصل اشکالی که بر ایشان وارد شد عبارت بود از اینکه اگر موضوع له اخبار و انشاء واحد باشد استعمال هر کدام به جای دیگری و لو مجازا درست باشد

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

در حالی که استعمال آنها و لو مجازا به جای یکدیگر غلط است البته ما گفتیم که غالبا غلط است ولی مرحوم خوبی گفته بود که در همه جا استعمال به جای یکدیگر غلط است.

بعد اشکالی بر مرحوم اغا ضیا وارد شد که چون مربوط به بحث انشاء است الان به بیان آن نمیپردازیم. اکنون بحث میکنیم که اگر معنای اخبار و انشاء متفاوت است و قول مرحوم اخوند درست نیست باید بحث شود که معنای جمله های اخباری چیست؟

۱.۲ مرحله اول: معنا جمله خبریه

۱.۲.۱ نظریه اول

مشهور گفته اند که جمله خبریه برای ثبوت نسبت و با لا ثبوت نسبت در خارج وضع شده است و دلیل آنها نیز تبادر است و تبادر نیز علامت حقیقت است مثلا در «زید قائم» ثبوت قیام برای زید به ذهن خطور میکند.

۱.۲.۱.۱-تفسیر ثبوت و معنای تصدیق

اینکه گفته میشود جمله خبریه دلالت بر ثبوت دارد در مقابل جمله انشائیه و مرکب ناقص است که در جمله انشائیه ثبوت ایجاد میشود نه اینکه دلالت بر ثبوت کند و همچنین در مرکب ناقص دلالتی بر ثبوت نسبت وجود ندارد مثلا گفته میشود «علم زید» که ثبوت نسبت در کار نیست. بلکه مرکب ناقص اصل نسبت را میفهماند

بعضی توهم کردند که مقصود از ثبوت نسبت، ثبوت تصدیقی است یعنی جمله خبریه وضع شده است تا علم به ثبوت نسبت بین دو طرف آن پیدا شود فلذا گفته اند که نسبت در جمله خبریه تصدیقی است ولی در مرکب ناقص تصدیق به نسبت وجود ندارد.

این توهم باطل است بعضی اینگونه جواب داده اند که و لو اینکه جمله خبریه دلالت بر تصدیق نسبت نمیکند ولی قابلیت تصدیق را دارد در مقابل مرکب ناقص که چنین قابلیت را ندارد. ولی به نظر ما این حرف غلط است این که به مشهور نسبت دادند یا مشهور گفته اند. چون تصدیق فعلی به جمله خبریه به واسطه قرائن خارجیه است و خود جمله دلالت بر این تصدیق نمیکند و علماء گفته اند که جمله خبریه احتمال صدق و کذب را دارد و قوام جمله خبریه به صدق نیست.

۱.۲.۱.۱.۱ معنای تصدیق در کلام مشهور

پس چرا علما گفته اند که معنای جمله خبریه تصدیقی است؟

مراد مشهور از این کلام این است که یک معنای تصدیقی و تام دارد نه تصدیق به معنای این باشد که صدق باشد یعنی در مرکبات ناقص ثبوت تصور میشود ولی تام نیست و تصور اسناد است مثلاً تصور علم برای زید است نه اینکه حکم به تحقق نسبت باشد ولی در مرکبات تام تصور ثبوت تام است و حکم به تحقق نسبت میشود نه اینکه در خارج این گونه است.

به عبارت دیگر، وقتی گفته میشود «زید قائم» خود زید و قائم و نسبت بین آنها هر کدام یک مدلول تصدیقی دارند و این مطلب از مقام تفهیم فهمیده میشود نه اینکه وضعی باشد و مراد مشهور از تصدیقی این معنا نیست چون هر مفردی نیز این معنا را دارد بلکه مراد آنها این است که در مرکبات ناقص یک تصور سازج وجود دارد ولی در مرکبات تام حکمی در آن نیز وجود دارد.

پس فرق بین مرکبات تام و ناقص این مطلب شد که مدلول جملات خبریه، تام و تصدیق است و معنای تصدیق این شد که حکم به تحقق نسبت میشود نه اینکه منظور از تصدیق به معنای صدق و یا قابلیت صدق باشد و مدلول جملات ناقص چنین حکمی وجود ندارد و تصور سازج و بدون حکم است.

۱.۲.۱.۲۲-نسبت

اینکه مشهور در تعریف جمله خبریه گفتند ثبوت نسبت است اشکالی مطرح میشود و آن این است که در جمله خبریه لااقل در جمله اسمیه نسبتی وجود ندارد وقتی گفته میشود «زید قائم» نسبتی در کار نیست بلکه جمله اسمیه برای هو هویت وضع شده است و هو هویت ضد نسبت است و اثنیت را اقتضاء میکند پس نسبت در جمله اسمیه وجود ندارد و نباید گفته شود که جمله خبریه دلالت بر ثبوت نسبت میکند

۱.۲.۱.۲.۱-اوسعیت معنای نسبت

ولی به نظر ما این اشکال از باب خلط مباحث است اینکه در جمله اسمیه هو هویت است درست است ولی اینکه مشهور میگویند جمله خبریه عبارت از ثبوت نسبت است مراد آنها از نسبت معنای اوسعی است که شامل هو هویت نیز میشود که هو هویت نیز یک نسبتی است و میگویند هو هویت یک نسبتی است و آن ارتباط هو هویت محقق است در مقابل مرکبات ناقص که آن ارتباط محقق نیست

۱.۲.۱.۳۳-فی الخاج

اینکه مشهور جمله خبریه را به ثبوت نسبت در خارج تعریف کردند مرحوم خوئی فرموده است که چه بسا در مواردی از جمله های خبریه نسبتی در خارج وجود ندارد مثلاً شریک الباری ممتنع در خارج نسبتی ندارد و اصلاً ممتنع است چگونه نسبت پذیر است؟ و نباید جمله خبریه را به ثبوت نسبت در خارج معنا کرد

۱.۳.۱.۲.۱ خلط بین معنای خارج

به نظر ما این ادعا درست نیست و این اشکال مانند همان اشکالی است که به محقق اصفهانی کرده بود و در اینجا فکر کرده بود که موضوع له حروف وجود ربطی است فلذا به محقق اصفهانی اشکال میکرد و جواب داده شد که حرف محقق از باب تشبیه است و در اینجا نیز گفته میشود که مراد از از خارج در کلام مشهور خارج عینی نیست بلکه مراد از خارج وعاء آن نسبت است یعنی فلان نسبت در آن وعائی که متکلم به لحاظ آن وعاء حرف میزند ثابت است و در مثال شریک الباری دلالت دارد بر اینکه این نسبت واقع است در مقابل اینکه گفته شود شریک الباری لا ممتنع. و این مثال حکایتگری از ثبوت نسبت امتناع به شریک الباری است. میخواهد بگوید که این جمله یک واقعی است که صرف فرض نیست. پس ایشان فی الخارج را به تحقق خارجی معنا کرده باشد درست نیست بلکه مراد از خارج اوسعیت دارد.

و اینکه معنای جمله خبریه را مقید به فی الخارج کرده اند به خاطر این مطلب بوده است که انشاء را خارج کنند چون در انشاء خارجیت ندارد قبل از تکلم و حکایتگری از خارج ندارد قبل از تکلم.



